وقایع نگاری

امام‌خمینی(ره)

شما نمی‌دانید اینها با زنان محترمه چه کردند

امام‌خمینی(ره) هوشیارانه، نقش زنان خودباخته را در ابتذال جامعه اسلامی درک کردند و در چارچوب جهان‌بینی توحیدی و مقام انسانی زن که خلیفه‌الله و صاحب کرامت و معنویت است، جایگاه و نقش زن در اجتماع را تبیین کردند. چنانکه در یکی از سخنرانی‌ها فرمودند: «شاید شما هیچ کاه‌دان پادتان نباشد که آن‌روقت چه کردند. کوچک بودید اما من تلخی این کشف حجابی که اینها کردند و اسمشان را بعدا «آزاد زنان» و «آزاد مردان» بود، رخاطرتان گذاشت من تلخی‌اش در دلم‌ماند هست. شما نمی‌دانید چه کردند با این زن‌های محترمه و چه کردند با همه قشرها. الزام می‌کردند هر تجار را هم که کسب جزء را، هم روحانیت را، به اینکه مجلس بگیرید و زن‌هایتان را بیاورید در مجلس بیاورید در مجلس عمومی.

آن‌وقت اگر زنها تخلف می‌کردند کشک دنبالش بود، حرف دنبالش بود، همه‌چیز ها و حرف‌ها بود و اینها می‌خواستند زن را وسیله قرار بدهند از برای اینکه سرگرمی حاصل بشود برای جوان‌ها و در کارهای اساسی اصلا وارد نشوند. طرق‌های مختلف اینها داشتند برای اینکه جوان‌های ما را مشغول دانشگاه‌های ما را هم همین قشرها را نگذارند به فکر خودشان بیفتند، به فکر مملکتشان بیفتند

از آن طرف همان مسئله کشف حجاب با آن فضاحتی که آنها کردند و با آن رفتاری که با زن‌های محترمه کردند و با آن رفتاری که با روحانیون کردند در این مسائل که حتی به آقای کاشانی آمدند تکلیف کردند که کشیدند باید وارد بشوند در این مجلس، شما باید مجلس بگیرید. این هم برای این بود که این جوان‌ها را، جوان‌های غافل زن و مرد را وارد کنند در میدان و سرگرمشان کنند. به هم وارد کنند. آنها را غافل باشند. همچنین مراکز فحشایی که اینها درست کردهاند که از تهران تا آخر تحریش صدها مراکزی بود که مال عنترکده و امثال ذلک بود.»

منبع: سایت جماران

یادداشت

ترنم صادقی: پژوهشگر حوزه زنان و خانواده

فقط زنان بستگان درجه‌اول پهلوی ترقی می‌کردند

بررسی‌ها ثابت می‌کند دیدگاه رژیم پهلوی در مورد تغییر وضعیت زنان در جامعه منطبق بر الگوهای غربی بود و نه ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی و بومی جامعه ایرانی.

بنا بر مستندات، رژیم پهلوی فقط فعالیت‌های دولتی و وابسته به زنان را که در جهت منافع و جمعیت‌های نزدیک و خانوادگی رژیم زن در این دوران برچیده شده و جای خود را به انجمن‌ها و جمعیت‌های زنانه‌ای داد که به‌وسیله وابستگان درجه‌اول خاندان پهلوی اداره می‌شد.

در نتیجه فاصله‌گیری در حوزه زنان محدود به وابستگان به خاندان پهلوی و آرمان‌هایشان شد نه همه زنان فعال در جامعه و تنها نشریات زنانه‌ای حق چاپ داشت که به تمجید از شاه و فرح می‌پرداخت و طرفدار دستگاه حاکم بود. بدین ترتیب زمینه انزوای اجتماعی زنان فراهم شد. از سوی دیگر در عرصه سیاست هم چنین انزوایی برای زنان ایجاد شد. در دوران سلطنت پهلوی، زنان حق شرکت در انتخابات و حق رأی نداشتند و امکان مشارکت سیاسی از آنان سلب شده بود.

زنان از سال ۱۳۴۱ حق شرکت در انتخابات و داوطلب‌شدن برای مجلس شورای ملی و سنا را کسب کردند اما این امکان برای عموم زنان فراهم نشد و از آنجا که رژیم پهلوی همواره سعی می‌کرد از زنان به‌صورت نمادی از نوگرایی استفاده کند، تنها برخی از زنان طبقات بالا و خاص جامعه به مناصب و پست‌های سیاسی از پیش تعیین‌شده، دست یافتند که در واقع تبلیغی برای ادعای برابری حقوق زن و مرد بود و منظور اصلی از مشارکت سیاسی که فراهم‌سازی بستر مناسب برای مشارکت عموم زنان بود، به‌معنای واقعی اتفاق نیفتاد.

در مناصب مدیریتی جامعه نیز وضع به همین منوال بود. در مدیریت سیاسی جامعه اتری از زنان دیده نشد ولی در برخی از مناصب مدیریت جامعه توانستند کمبود پیش عهده‌دار مسئولیتی شوند اما این نقش و اهمیت به‌گونه‌ای نبود که بتوان آن را حضور سیاسی زنان در پست‌های مدیریتی محسوب کرد. تنها یک زن فرخ‌رو پارسا به مقام وزارت نایل آمد و در کابینه هویدا وزیر آموزش و پرورش شد.

زن دیگری که در کابینه هویدا از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ و سپس در کابینه آموزگار در سال ۱۳۵۷ حضور داشت، مهناز افخمی بود که در هر دو کابینه مشاور امور زنان بود. انتصاب زنان به مقام‌های سیاسی بیشتر به‌دلیل روابط آنان با دربار و سیاستمداران بود و به‌دلیل وابستگی به یکی از افراد متنفذ کشور و به‌ویژه دربار، به این مقام‌ها می‌رسیدند.

همچنین در حوزه فرهنگ شاهد نقش زنان نیستیم، عموما بیشترین بخشی که زنان در آن حضور داشتند در سینمای آن زمان بود که آن هم به‌عنوان نماد جنسی از آنها استفاده ابزاری می‌شد. این در حالی است که ما در حوزه ادبیات، نقاشی، هنرهای تجسمی و... بانوانی را داریم که در همین دوران بسیار فاخر هستند اما شاهد معرفی و بروز و ظهور آنها نیستیم.

این نوع برخوردها و تضادهای رفتاری و حاکمیتی در کنار دیگر عوامل، موجب شد تا زنان که منطقش، منطق اسلام بود به مقابله شدید با رژیم برخیزند و با رهبری امام‌خمینی(ره) که عامل مؤثری در انتقال این آگاهی‌ها بود، به پیروزی برسند. امام(ره) زن را نه مظهر فریب و بازیچه بلکه او را مبدا همه خیرات و سعادت‌ها معرفی کردند و آنان را به‌عنوان پیشروان نهضت اسلامی قلمداد می‌کردند.

گزارش

مسابقه برهنگی با نام دختر شایسته

در دوره پهلوی، بیش از همه بر نقش زیبایی و افسونگری زن ایرانی تأکید و تلاش می‌شد تا زن ایرانی با طرح‌هایی مثل «دختر شایسته» مدلی از زن اروپایی و غربی باشد

از آنجایی که بنیان‌های ایدئولوژیک دولت پهلوی را عناصری چون سکولاریسم، غرب گرایی و ناسیونالیسم شاهنشاهی تشکیل می‌داد، سیاست نوسازی دولت پهلوی متأثر از دیدگاهی بود که نوسازی فرهنگی را ملازم و حتی مقدمه هر گونه نوسازی اقتصادی و اجتماعی می‌دانست و به تبع آن، سیاست‌های فرهنگی حکومت پهلوی هم در نظر داشت تا الگوهای فرهنگی جدید غربی را جایگزین الگوهای فرهنگی سنتی و مذهبی جامعه ایرانی کند. دیدگاه رژیم پهلوی درباره تغییر وضعیت زنان در جامعه، منطبق بر الگوهای غربی بود و هیچ مناسبتی با ارزش‌ها و خواسته‌های دینی و بومی جامعه ایرانی نداشت. اراده‌ی زنان فقط به این دلیل از سوی رژیم تأکید می‌شد که ایران شباهت بیشتری با غرب پیدا کند؛ به‌عبارت دیگر، دولت پهلوی سعی داشت تا زن ایرانی را به زن غربی تبدیل کند. برای رسیدن به این هدف، دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت پهلوی مبادرت به تبلیغ و ترویج این الگوها در بین اقشار مختلف جامعه می‌کردند. رسانه‌ها و به‌ویژه مطبوعات، در این میان نقش بر جسته‌ای در جایگزینی فرهنگی بر عهده داشتند. مطبوعات ایران در این دهه‌ها، به ارائه الگوهایی پرداختند که عمدتا برآمده از فرهنگ غربی بود. یکی از بیشترین ترین اینگونه از نشریات، مربوط به بانوان دهه‌های ۴۰و۵۰ که در ارائه الگوهای مورد پسند رژیم فعالیت داشت، هفته نامه «زن روز» بود.

زنان در برنامه‌های سکولار و مدرنیزه‌کردن جامعه ایرانی در دوره پهلوی، جایگاه ویژه‌ای داشتند؛ اما این حضور دخالت آنان صرفا صوری و ظاهری بود. در واقع حکومت پهلوی از اجرای برنامه‌های تجددخواهانه در مورد زنان ۲ هدف اصلی را دنبال می‌کرد: زیر سوال بردن نظام ارزش‌های سنتی و اسلامی جامعه؛ ایجاد شباهت‌های ظاهری بیشتر در بین جامعه ایرانی و غربی. دوره پهلوی اول و دوم را باید بیش از همه دوره سلطه فرهنگ بیگانه به‌حساب آورد. اگرچه در ظاهر آزادی‌هایی نیز به زن ایرانی داده شد، اما در این دوره بیش از همه به نقش زیبایی و افسونگری زن ایرانی تأکید و تلاش شد تا زن ایرانی مدلی از زن اروپایی و غربی باشد و تمام مشخصات یک زن غربی را داشته باشد. یکی از این الگوهای غربی که با معیارهای جوامع لیبرالیستی راه‌اندازی شده بود، رقابت‌های جهانی «ملکه زیبایی» نام داشت که در ایران تحت عنوان «دختر شایسته» ترویج شد.

ملکه زیبایی، چگونه به ایران رسید؟

حکومت پهلوی بنا به سیاست‌های غربگرایانه و استحاله فرهنگی جامعه ایرانی، قصد داشت تا این الگوی تماما غربی را به جامعه ایرانی تحمیل کند که این ماموریت به مجله «زن روز» که یکی از مجلات زیرمجموعه مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی کیهان بود، واگذار شد. انتشار مجله مزبور از ۸ اسفند ۱۳۳۳ با مدیر مسئولی و سردبیری «مجید دوامی» آغاز شد که از ابتدای شروع انتشار تا دوران پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت اداره و سردبیری آن را بر عهده داشت. اصلی‌ترین اهداف گردانندگان مجله زن روز، ارائه الگویی خاص به دختران ایرانی بود تا براساس آن، اهداف مورد نظر حکومت پهلوی در ترویج فرهنگ غربی و سکولار را پرورده شود. به همین دلیل از شماره یکم این مجله، طرح «انتخاب دختر بهار» و بعدها «انتخاب دختر شایسته»، در دستور کار قرار گرفت که این طرح به‌مدت ۱۴ سال اجرا شد. با شروع دهه ۵۰ تمسی و با فعالیت رسانه‌ها برای هرچه بیشتر غربی کردن جامعه، مطبوعات و ازجمله مجله زن روز، قدم به قدم به‌سوی سطحی شدن و ابتذال پیش رفت، به‌طوری که در بیشتر صفحات این مجله، تصاویر برهنه زنان و طرح‌های مبتذل و انبوهی از مطالب ترجمه‌ای به چشم می‌خورد و در مقابل ملاک‌های انتخاب دختر شایسته، برنده شدن دختری از شهر دزفول است. در این خانواده‌های شهرستانی این رویکرد برگزار کنندگان که در همان سال، دختری ژاپنی برنده مسابقه جهانی دختر شایسته شد که در خانواده‌ای مقید بود، برای موفقیت همان دختر ژاپنی در مصاحبه با مجله زن روز گفته بود:

خانواده‌ی ما بر این اعتقاد پایه‌گذاری شده که دختر شهرستانی هم توانستند در نهایت بین دختران تهرانی (که در آن زمان الگوی بد و کاملی برای دختران شهرستانی بودند) برگزیده شوند. این موفقیت باشند؛ مأمور دادند و این اتفاق را نشانه ورود روشنفکری در بین خانواده‌های شهرستانی اعلام کردند. جالب است که در همان سال، دختری ژاپنی برنده مسابقه جهانی دختر شایسته شد که در خانواده‌ای مقید بود. خانواده‌ی دختر ژاپنی در مصاحبه با مجله زن روز گفته بود:

«برای ایجاد تنوع در ظاهر خود و احراز شخصیتی جدید به تغییر چهره و زیبایی خود متوسل شده، ولی پی برده که این تغییرات کافی نیست و برای تکمیل آن احتیاج به‌عوض کردن رنگ موهای خود دارم.» این بخشی از آگهی ریز کار مجله «زن روز» در یکی از شماره‌های منتشرشده در دهه ۵۰است. زن روز برتیراژترین مجله قبل از انقلاب است که از سال ۱۳۴۳ روی پیشخوان دکه‌های روزنامه‌فروشی قرار گرفت و با پرداختن به موضوعات مختلف مربوط به زنان، بیان کننده نوع نگاهی بود که در آن سال‌ها به زن ایرانی وجود داشت. برای بررسی این نگاه، در این گزارش مروری بر بازنمایی شخصیت زن در این مجله و همچنین مجله «تهران مصور» خواهیم داشت. تهران مصور نیز مجله‌ای است که از سال ۱۳۲۱ منتشر شد و از نشریات قدیمی و مشهور دوران پهلوی بود. این دو مجله از جمله نشریات اصلی کشور در دوران پهلوی بود که سعی در الگوسازی برای زنان داشت هر چند که به‌دلیل مسائل اخلاقی از انتشار اغلب تصاویر به‌کار رفته در این مجلات معذور بود.

گرایش افراطی به آرایش

در تهران مصور که نشریه‌ای عمومی است به جز آگهی‌ها، تنها جایی که زنان حضور دارند در تصویر روی جلد یا عکس تزئینی داستان‌های زرد عاشقانه است یا در قالب بازیگران فیلمفارسی‌ها و سوپراستارهای سینما به آنها پرداخته می‌شود؛ نه خبری از قهرمانان و نه زنان اهل فکر و دارای هنری غیر از بدن‌نمایی معرفی می‌شوند. معرفی چند خطی سلبریتی‌های زن فرنگی یکی از بخش‌های ثابت «تهران مصور» است که بهانه‌ای است برای درج عکس نیمه برهنه آنها که با ابعادی چهار پنج برابر از تن چند خط، خودنمایی می‌کند. در یک نمونه با تیتر «عشق و دلهره یک دختر جوان»، در نیمه برهنه تصویر اینطور معرفی شده است: «فیلمی باغ ستاره هنرمند و زیبای سینمای آلمان در دانمارک متولد شده، ولی زندگی هنری خود را در آلمان دنبال کرده است. فی‌فی باغ به‌زودی در فیلمی به‌نام «ماجرای عشق و دلهره یک دختر جوان» که محصول مشترک هالیوود و آلمان است بر پرده سینما ظاهر خواهد شد.» در نمونه دیگر، یکی از مطالب تهران مصور به مدل‌های اروپایی سال ۱۹۶۵ اختصاص پیداکرده است که نویسنده نام مدهای جهنمی را روی آن گذاشته است. در این گزارش، ۴تصویر از زنان نیمه برهنه که مدها را پوشیده‌اند، بیشترین حجم صفحه را به خود اختصاص داده است. در متن گزارش به جزئیات این لباس‌ها و قیمت‌شان اشاره شده است.

مدهای جهنمی

در یکسی از این گزارش‌ها درباره برنامه‌های تدارک دیده شده برای فینالیست‌های مسابقه اینطور آمده است: «طبق رسم هر ساله در مراسم شب نهایی مسابقه، دختران فینالیست ۱۰ آبی مختلف روی صحنه می‌آیند: لباس بونیفرم، لباس اینگاری و لباس سوار. تنها لباسی که دختران باید خودشان و با هزینه شخصی خود تهیه کنند، لباس اینگاری آنهاست. در چند سال اخیر، چند نفر از طراحان و مدسازان تهران به فکر مدرن کردن و اروپایی پسند کردن پارچه‌های قلمکار افتاده‌اند و با تغییراتی که در این راه به خرج داده‌اند، توانسته‌اند مدل‌ها و طرح‌های زیبایی به وجود آورند که حتی مورد قبول مشکل‌پسندان پاریس و لندن و آمریکا نیز قرار گرفته است». به همین ترتیب مراحل مختلف مسابقه دختر شایسته در شماره‌های متوالی گزارش می‌شود و در خلال آن با سالن‌های زیبایی مشهور تهران معرفی می‌شود و با آموزشگاه‌های هنری و مربیان آنها تبلیغ می‌شوند.

روزگار عجیب دختران شایسته

در یکی از ویرگی‌های اصلی در خصوص مسائل زنان که در آن سال‌ها مورد تمرکز نشریات قرار دارد، ارائه نگاه‌ها و ایده‌های فمینیستی است که مجله زن روز پرچمدار آن معرفی می‌شود. به عنوان نمونه در گزارشی زن معدنچی خارجی به عنوان یک زن شجاع و با جزیره معرفی شده است که توانسته از پس یک کار مردانه بربیاید. این زن با این جملات معرفی و تمجید می‌شود: «این زن ۲۷ ساله انگلیسی، به دشوارترین کار مردانه روی آورده است. روزی ۸ساعت کار در معدن زغال سنگ، در عمق ۶هزارمتری زیر زمین». در جایی دیگر از مطلبی به اسم «جیمز باندهای مونث» که تمجید از زنانی پرداخته که در پلیس انگلستان، پلیس مخفی هستند و وظایف خطیر و مشکل را بر عهده دارند. در توصیف آنان نوشته: «آنان، در گرما و سرما، در ۲۴ ساعت شبانه‌روز، در هیأت مانکن یا گدا، دزدان، قاچاقچیان، شوهران فراری و جنایتکاران خطرناک را تعقیب می‌کنند!»

زنی خوب است که مرد باشد

یکی از رویکردهای اصلی در خصوص مسائل زنان که در آن سال‌ها مورد تمرکز نشریات قرار دارد، ارائه نگاه‌ها و ایده‌های فمینیستی است که مجله زن روز پرچمدار آن معرفی می‌شود. به عنوان نمونه در گزارشی زن معدنچی خارجی به عنوان یک زن شجاع و با جزیره معرفی شده است که توانسته از پس یک کار مردانه بربیاید. این زن با این جملات معرفی و تمجید می‌شود: «این زن ۲۷ ساله انگلیسی، به دشوارترین کار مردانه روی آورده است. روزی ۸ساعت کار در معدن زغال سنگ، در عمق ۶هزارمتری زیر زمین». در جایی دیگر از مطلبی به اسم «جیمز باندهای مونث» که تمجید از زنانی پرداخته که در پلیس انگلستان، پلیس مخفی هستند و وظایف خطیر و مشکل را بر عهده دارند. در توصیف آنان نوشته: «آنان، در گرما و سرما، در ۲۴ساعت شبانه‌روز، در هیأت مانکن یا گدا، دزدان، قاچاقچیان، شوهران فراری و جنایتکاران خطرناک را تعقیب می‌کنند!»

شخصیت جدید با رنگ موی جدید

در «زن روز» صفحات ویژه‌ای به معرفی زنان سلبریتی خارجی اختصاص پیدا کرده‌است؛ بازیگر یا حتی پورن استارهایی که اغلب زندگی شخصی آنها سوژه گزارش است و گاهی یک محصول زنانه خارجی در حین گزارش تبلیغ می‌شود. نوع نگاهی که به زن وجود دارد و شخصیت او را در ظاهر و زیبایی‌اش معرفی می‌کند. در یک گزارش از پیانیست فرانسوی که باهدف معرفی یک مارک رنگ‌مو گارشده، به‌وضوح عنوان می‌شود: «امروز فرصتی پیش آمد تا با خانم آنابل دوفو، پیانیست مشهور فرانسوی گفت‌وگویی در منزل ایشان داشته باشیم. دوفو وارد منزل شدم او خود را برای اجرای رسیتال امشب آماده می‌کرد. آنابل در جواب این سوال که معروف بودن خود را مدیون چه هستید، پاسخ داد: «من با اجرای ۲رسیتال به شهرت رسیدم» پرسیدم: ممکن است درباره این دو رسیتال صحبت کنید؟ آنابل با خوشویی پاسخ داد: «هنرمند هنگامی به اوج محبوبیت می‌رسد که در قلب مردم نفوذ کرده باشد، و برای حفظ این محبوبیت لازم است که هر بار با شخصیتی جدید در برابر مردم ظاهر شود، و دیگران را از ظاهر یکنواخت و کسل‌کننده خود خسته نکند... برای ایجاد تنوع در ظاهر خود و احراز شخصیتی جدید به تغییر چهره و زیبایی خود متوسل شده، ولی پی برده که این تغییرات کافی نیست و برای تکمیل آن احتیاج به‌عوض کردن رنگ موهای خود دارم.» این بخشی از آگهی ریز کار مجله «زن روز» در یکی از شماره‌های منتشرشده در دهه ۵۰است. زن روز برتیراژترین مجله قبل از انقلاب است که از سال ۱۳۴۳ روی پیشخوان دکه‌های روزنامه‌فروشی قرار گرفت و با پرداختن به موضوعات مختلف مربوط به زنان، بیان کننده نوع نگاهی بود که در آن سال‌ها به زن ایرانی وجود داشت. برای بررسی این نگاه، در این گزارش مروری بر بازنمایی شخصیت زن در این مجله و همچنین مجله «تهران مصور» خواهیم داشت. تهران مصور نیز مجله‌ای است که از سال ۱۳۲۱ منتشر شد و از نشریات قدیمی و مشهور دوران پهلوی بود. این دو مجله از جمله نشریات اصلی کشور در دوران پهلوی بود که سعی در الگوسازی برای زنان داشت هر چند که به‌دلیل مسائل اخلاقی از انتشار اغلب تصاویر به‌کار رفته در این مجلات معذور بود.

زنان، شخصیت اصلی داستان‌های زرد

بخش اصلی هر دو مجله به داستان‌های زرد عاشقانه اختصاص دارد که باز هم عکسی که به آن اختصاص پیداکرده، تصویری اروتیک از یک زن و مرد است. محتوای این داستان‌ها اغلب عشق‌های مثلثی است که زنان گاهی در این داستان‌ها نقش هزره را دارند و گاهی یک زن که در آتش حسادت به زن دیگری می‌سوزد، مورد توجه مرد مورد علاقه یا همسرش قرار گرفته است. زنان در این داستان‌ها اغلب اصلی‌ترین دغدغه‌شان جلب نظر مردانی است که با آنها در ارتباطند.

مردان همطراز دختران شایسته

تمایل زیاد به آرایش تا اندازه‌ای به‌عنوان ویژگی اصلی زنان جامعه آن روزها معرفی می‌شود که در یک گزارش به‌صورت ضمنی روی آوردن مردان به آرایش، تحت تأثیر همین ویژگی زنان عنوان می‌شود. نویسنده، گزارش خود با عنوان «فر شش ماهه مخصوص آقایان» را با ابنطور شروع می‌کند: «تابه حال با طعنه می‌گفتند زن‌ها همه بزکی و عروسکی هستند و حالا وسوسه خودشان و جلب نظر کردن چنان به جان خود مردها افتاده که ساعت‌ها وقت‌شان را در سالن‌های آرایش زیر سشوارهای داغ می‌گذرانند.»

عکس زن نیمه برهنه بیشتر می‌فروشد

مهم نیست که محصول تبلیغ‌شده مخصوص زنان باشد یا نه؛ از لوازم حمام و کلمن آب گرفته تا شربت و آدامس خروس نشان، تصویر یک زن پای ثابت همه آگهی‌های متعددی است که دهه ۵۰ در صفحات مجلات «زن روز» و «تهران مصور» کار می‌شد. این آگهی‌ها بیشترین جایی است که زنان در آن حضور دارند. تبلیغاتی که بیشتر شان رنگی کار شده‌اند و علاوه بر ایفای نقش تابع و گاهی نیمه‌برهنه زنان، آرایش ویژه آنها قابل توجه است. به‌عنوان نمونه در یک آگهی مربوط به آدامس خروس نشان، قرار است یک بیرهن بادگاری جام جهانی فوتبال به مناسبت اولین شروع به کار کرده‌شده است، این بیرهن با قوتین بزرگ کارشده است؛ «بدون کوره‌پز کس، حمام شما گفت است». با یک بخش دیگر تبلیغات معرفی لباس زیر زنانه است که با تصاویری از زنان نیمه برهنه که آن را پوشیده‌اند، معرفی و تبلیغ شده‌اند. اکثر تیترها با این سبت و سو محتوایی اروتیک دارند.

گزارش

مأموریت: غربی شدن زن ایرانی

مجله زن روز با برگزاری جشن دختر شایسته اهداف رژیم پهلوی را برای سکولاریزه کردن جامعه سنتی ایران پیش می‌برد

با عنوان تجدد دنبال سیگار و مشروب نباش

در صفحه «تین ایجر» مخصوص پسران و دختران ۷ ساله است، یک ستون تحت عنوان «نامه پدر به دخترش» به راهنمایی‌های پدرانه‌ای اختصاص دارد که دختران نوجوان در شرایط آن روزهای جامعه به آن نیاز دارند. انحرافات و آسیب‌هایی که دختران در آن سال‌ها در لباس تجدد دچار آن می‌شدند، آنقدر جدی و نگران‌کننده بود که حتی این مجله نیز بدون واهمه رویکرد غربی و ترویج بی‌بند و باری، در قالب یکی از نامه‌های درج‌شده خطاب به دختران به ارائه توصیه‌هایی برای دوری از این انحرافات می‌پرداز و می‌نویسد: «دختر عزیزم از صمیم قلب آرزو می‌کنم که در آینده زنی خوش‌قلب و پاک طینت و نازدار‌ی فروتن و طبیعی باشی. آرزو دارم که به خود متکی باشی و به حقیقت وجود خود پی ببری دختر! کم‌کم وقت آن رسیده که خودت خوب را از بد تشخیص بدهی و کورکورانه از بعضی آرمان‌های ناپسند تجدد پیروی نکنی. اگر می‌بینی که بعضی دختران هم سن و سالت که به عقیده خودشان متجدد هستند سیگار می‌کشند و یا مشروب می‌خورند، تو این کارها را به‌عنوان اینکه دلیل تجدد و تمدن است، انجام مده! و مطمئن باش که از قافله آنها عقب نمی‌افتی هرگز خیال نکن که با احتراز از این کارها قدر و احترام تو کم شده و در نظر دیگران اهل و عقب‌افتاده جلوه خواهی کرد. بلکه بدین وسیله به خودت و دیگران ثابت کرده‌ای که دختری با شخصیت و فردی با اراده هستی که اینده خوشبخت و سعادتمند خواهی داشت. حال آنکه اینگونه عادات ناپسند باعث انحراف تو از راه نیک بختی می‌شود و اینده تو را به خطر می‌اندازد. امیدوارم که پند مرا به گوش جان پذیرفته باشی.»

مخالفت مذهبیون و روحانیون

یکی از اصلی‌ترین اهداف گردانندگان مجله زن روز، ارائه الگویی خاص به دختران ایران بود تا براساس آن اهداف مورد نظر حکومت پهلوی درباره ترویج فرهنگ غربی و سکولار به ثمر برسد. به همین دلیل از شماره یک این مجله، طرح «انتخاب دختربهار» و بعدها «انتخاب دختر شایسته» مطرح شد و به مرحله اجرا رسید. بنابراین مسابقات دختر شایسته اهداف بزرگی را دنبال می‌کرد که از همان ابتدا و به‌ویژه در سال‌های مبارزه مردم ایران علیه رژیم پهلوی، واکنش و اعتراض جامعه مذهبی و روحانیت را به‌عنوان دختر شایسته برسند. در چند سال اخیر، چند نفر از طراحان و مدسازان تهران به فکر مدرن کردن و اروپایی پسند کردن پارچه‌های قلمکار افتاده‌اند و با تغییراتی که در این راه به خرج داده‌اند، توانسته‌اند مدل‌ها و طرح‌های زیبایی به وجود آورند که حتی مورد قبول مشکل‌پسندان پاریس و لندن و آمریکا نیز قرار گرفته است». به همین ترتیب مراحل مختلف مسابقه دختر شایسته در شماره‌های متوالی گزارش می‌شود و در خلال آن با سالن‌های زیبایی مشهور تهران معرفی می‌شود و با آموزشگاه‌های هنری و مربیان آنها تبلیغ می‌شوند.

شخصیت جدید با رنگ موی جدید

در «زن روز» صفحات ویژه‌ای به معرفی زنان سلبریتی خارجی اختصاص پیدا کرده‌است؛ بازیگر یا حتی پورن استارهایی که اغلب زندگی شخصی آنها سوژه گزارش است و گاهی یک محصول زنانه خارجی در حین گزارش تبلیغ می‌شود. نوع نگاهی که به زن وجود دارد و شخصیت او را در ظاهر و زیبایی‌اش معرفی می‌کند. در یک گزارش از پیانیست فرانسوی که باهدف معرفی یک مارک رنگ‌مو گارشده، به‌وضوح عنوان می‌شود: «امروز فرصتی پیش آمد تا با خانم آنابل دوفو، پیانیست مشهور فرانسوی گفت‌وگویی در منزل ایشان داشته باشیم. دوفو وارد منزل شدم او خود را برای اجرای رسیتال امشب آماده می‌کرد. آنابل در جواب این سوال که معروف بودن خود را مدیون چه هستید، پاسخ داد: «من با اجرای ۲رسیتال به شهرت رسیدم» پرسیدم: ممکن است درباره این دو رسیتال صحبت کنید؟ آنابل با خوشویی پاسخ داد: «هنرمند هنگامی به اوج محبوبیت می‌رسد که در قلب مردم نفوذ کرده باشد، و برای حفظ این محبوبیت لازم است که هر بار با شخصیتی جدید در برابر مردم ظاهر شود، و دیگران را از ظاهر یکنواخت و کسل‌کننده خود خسته نکند... برای ایجاد تنوع در ظاهر خود و احراز شخصیتی جدید به تغییر چهره و زیبایی خود متوسل شده، ولی پی برده که این تغییرات کافی نیست و برای تکمیل آن احتیاج به‌عوض کردن رنگ موهای خود دارم. همانطور که می‌بینید رنگ موهای من گویای این واقعیت است.»

زن ایرانی در گرو نظام لیبرالیسم

برگزارکنندگان مسابقه دختر شایسته از همان آغاز برگزاری این مسابقات تکلیف خود را با عنوان دختر شایسته مشخص کرده بودند. در سال‌های ابتدایی برگزاری این مسابقه، ملاک‌های انتخاب دختر شایسته، قوای جسمانی، زیبایی، زیبایی‌های هنری، ذهنی و هوشی دختران بود؛ یعنی همان ملاک‌هایی که نظام لیبرالیسم برای نمونه‌های دختر شایسته و موفق درنظر دارد و در میان معیارهایش خبری از معیارهای اخلاقی نیست. چنان که مجید دوامی، سردبیر مجله زن روز پس از برگزاری سومین دوره مسابقات دختر شایسته در سرمقاله شماره ۱۱۴ این مجله نوشت: «مجله زن روز مدت ۳سال است که زیر عنوان برنامه انتخاب دختر شایسته، ملاک‌هایی برای برگزاری مسابقه دختر شایسته به مردم ارائه کرده است. در یک کشور اسلامی که در آن زمان الگوی بد و کاملی برای دختران شهرستانی بودند؛ مأمور دادند و این اتفاق را نشانه ورود روشنفکری در بین خانواده‌های شهرستانی اعلام کردند. جالب است که در همان سال، دختری ژاپنی برنده مسابقه جهانی دختر شایسته شد که در خانواده‌ای مقید بود. خانواده‌ی دختر ژاپنی در مصاحبه با مجله زن روز گفته بود: «من مادری سنگخیر دارم که هنوز هم اگر حرف بی‌جایی برنم کنکم می‌زند! و من حق ندارم در مورد مسائلی مثل پسرها و دوستی با آنها حتی حرف بزنم!» (این در آن زمان کشوری در حال گذار از سنت‌ها به مدرنیته بود و برگزارکنندگان مسابقه جهانی دختر شایسته با این انتخاب نشان دادند تغییر الگوهای زن موفق در کشورهای آسیایی را هدف قرار داده‌اند؛ دقیقا مشابه هدفی که برگزارکنندگان زنان برای دختران جامعه سنتی ایران داشتند.

زنان رابه ولنگاری کشیدیم

نگاه

پروژه غربی شدن جامعه ایرانی در زمان پهلوی با سرعت و عمق بیشتری دنبال می‌شد. طرح‌هایی چون راه‌اندازی باشگاه‌ها و کاخ‌های جوانان، انتخاب ملکه زیبایی، مسابقه‌های دختر شایسته و... از جمله این فعالیت‌ها بود. جلال آل احمد در این باره می‌نویسد: «آدم به آرامی دارد می‌فهمد که چه می‌شود. خودش خبر می‌رسد، با سرو بزن خیلی بی‌رمق و بی‌روح همیشه انگار از لای زروری پنهان شده است با از قلاب مزون فرنگی آمده است.» او در نقد سیاست پهلوی دوم مبنی بر آزادی دادن به زنان می‌نویسد: «چون تنها اجازه تظاهر در اجتماع را داده‌اید. فقط تظاهر، یعنی چون زن را که حافظ سنت، خانواده، نسل و خون است به ولنگاری کشیده‌اید، به کوچه آورده‌اید. به خودنمایی و بی‌بندوباری واداشته‌اید؛ چه سر و صورت را صفا دهد و هر روز یک مد تازه را به خود ببندد و دل بگیرد. مادر کار آزادی صوری زنان سال‌های سال پس از این هیچ هدفی و غرضی جز افزودن به خیل مصرف‌کنندگان بودن و مانیک-محصول صنایع غرب- ندارم.»

شایسته بودنت را با این معیارها محک بزن

نگاه

یکی از سوژه‌های اصلی زن روز، گزارش با آب‌وتاب مسابقه «دختر شایسته» است؛ مسابقه‌ای که این مجله با کیس‌برداری از نوع فرنگی‌اش، مبدع آن است و دختران ایرانی را تشویق می‌کند شایسته بودن‌شان را با معیارهای این مسابقه محک بزنند. بیشتر این معیارها البته بر اساس استانداردهای فرنگی است: چه به خاطر غربی بودن خود مسابقه و چه در ادامه خودباختگی عجیبی که آن سال‌ها در مقابل فرنگی‌ها وجود دارد.

اشراف‌زاده‌ها شایسته می‌شدند

مسابقه‌ای که برای انتخاب دختر شایسته تدارک دیده شده بود با نسخه اروپایی آن یک تفاوت بزرگ داشت. اگر از ماهیت برگزاری این مسابقه بگذریم که هدفی جز ترویج الگوهای سبک زندگی غربی میان دختران ایرانی نداشت، اینجا هم عنوان دختر شایسته همیشه نصیب دختران خانواده‌های نزدیک به دربار، تجار و ثروتمندان و گاهی دختران خوانین شهرستان‌ها می‌شد. درحالی که در نسخه اروپایی این مسابقه، معمولا دخترانی از طبقات متوسط و پایین جامعه در این مسابقات شرکت می‌کردند و دختران طبقه اشرافی جامعه شرکت در این مسابقه را در شأن خود نمی‌دانستند. همچنان که در خاندان‌های سلطنتی اروپایی، اکنون هم دختران و خانم‌ها در انظار لباس‌های باز و بدن‌نما بپوشند. درحالی که مسابقه دختر شایسته در ایران به‌گونه‌ای برگزار می‌شد که دخترانی از قشرهای متوسط و پایین در این مسابقات شرکت می‌کردند اما در نهایت دختری عنوان دختر شایسته را کسب می‌کرد که از طبقه اشراف بود. در واقع دختری شایسته است که اشراف‌زاده باشد.

برهنگی، معیار شایستگی بود

مجله زن روز به‌عنوان بانی برگزاری مسابقه دختر شایسته هر بار که با اعتراضات و جبهه‌گیری مردم روبه‌رو می‌شد، تلاش می‌کرد به مردم تلقین کند که مسابقه دختر شایسته با ملکه زیبایی فرق دارد. اگرچه ادعای این مجله این بود که معیار اصلی انتخاب دختر شایسته پیش از آنکه به‌دلیل جنبه‌های ظاهری باشد، به‌دلیل آداب‌دانی و شیک‌پوشی و... است، اما واقعیت اوضاع فرق داشت. وقتی برندگان مسابقه به مرحله نیمه‌نهایی می‌رسیدند، باید در اردوهای سرنوشت‌ساز شرکت می‌کردند تا به‌عنوان دختر شایسته برسند. در این اردوها دو کار نیت واقعی برگزارکنندگان رو می‌شد. در این اردوها، دختران برگزیده معمولا با مانیی‌نو، در دورهمی‌ها شرکت می‌کردند و عکس‌های این دختران با لباس‌های باز، بدن‌نما در مجله منتشر و عکس‌های برزرگ و برق سفرها و هدایایی که از چهره‌های مشهور گرفته بود در مجله چاپ شد. این همه تلهویی بود از توفیق‌ها و در خشش‌های دختر